



BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMENT

Volume No.: 3, Issue No.: 38, May 2023

P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801

Tourism, economic growth, human development and innovative economies

Dr. Mohammad Bagher Sakhi

DBA graduate of Tarjoman Oloom Higher Education Institute

Abstract

This study examines the relationship between tourism specialization economic growth, and human development in a transition economy. It proffers a conceptual link between tourism specialization and human development through a division of labor framework. Dynamic comparative advantage, Sen's capability approach, and the translog production function characterize the conceptual relationship. The Limited Information Maximum Likelihood (LIML) estimates this relationship's nature in the case of Poland. Tourism specialization has a shortterm effect on economic growth and a negative and indirect link to human development. Economic growth seems the channel that supports human development expansion, indicating short- and long-term significant, positive effects. Human capital reveals a U- shape pattern in its relationship with economic growth and human development. The study's implications are two testable propositions and two policy options suggesting tourism specialization's potential impact on private and public incomes, which are relevant developmental channels in transition economies.

Keywords: Tourism specialization, human development, economic growth

گردشگری، رشد اقتصادی، توسعه انسانی و اقتصادهای نوآور

دکتر محمدباقر سخی

دانش آموخته DBA موسسه آموزش عالی ترجمان علوم

چکیده

این مطالعه رابطه بین رشد اقتصادی، تخصصی سازی گردشگری و توسعه انسانی را در اقتصادهای در حال گذار بررسی می کند. همچنین این مطالعه یک رابطه مفهومی بین تخصص سازی گردشگری و توسعه انسانی را از طریق دسته بندی چارچوب کار، پیشنهاد می کند. مزیت نسبی پویا، رویکرد ظرفیت Sen و تابع تولید تراس لاگ این رابطه مفهومی را توصیف می کنند. حداکثر درست نمایی اطلاعات محدود شده (LIML) ماهیت این رابطه را در مورد لهستان برآورد می کند. تخصص سازی گردشگری تأثیر کوتاه مدت بر رشد اقتصادی و رابطه منفی و غیرمستقیم با توسعه انسانی دارد. به نظر می رسد رشد اقتصادی کانالی است که از گسترش توسعه انسانی حمایت می کند، که نشان دهنده تأثیرات معنادار و مثبت کوتاه مدت و بلند مدت است. سرمایه انسانی الگوی U شکل را در رابطه با رشد اقتصادی و توسعه انسانی نشان می دهد. پیامدهای این تحقیق دو فرضیه قابل بررسی و دو گزینه سیاستی است که تأثیر بالقوه تخصصی سازی گردشگری را بر درآمد خصوصی و عمومی نشان می دهد، که کانال های توسعه ای مربوطه در اقتصادهای در حال گذار هستند.

واژگان کلیدی: تخصصی سازی گردشگری، توسعه انسانی، رشد اقتصادی

۱. مقدمه

۹ نوامبر ۲۰۱۹، سی امین سالگرد سقوط دیوار برلین بود. این دیوار نماد "پرده آهنین" بود - شکاف ایدئولوژیک و اقتصادی بین شرق و غرب - کومونیسم در برابر سرمایه داری، برنامه ریزی مرکزی در مقابل اقتصاد بازار. این رویداد، آغاز تلاش قدرت های سیاسی و اقتصادی و کشورهای اروپای شرقی برای همگرایی با غرب بود. این روند گذار در میان کشورهای اروپای شرقی ناهموار بود، در آنجا برخی از همگرایی ها برای مجموعه ای از کشورها سریعتر، برای برخی دیگر کندتر اتفاق افتاد یا متوقف شد (کمیسسیون اروپا، ۲۰۱۵). فرو رفتن در فعالیت ها و فرآیندهای مبتنی بر بازار و تخصیص مجدد منابع بر اساس مشوق های بازار از بخش های مهم فرآیند گذار هستند (آتوین و رواف، جوشی و روگولوسکی، ۲۰۱۴).

گردشگری یکی از راهبردهای توسعه محسوب می گردد که برای تسریع همگرایی با غرب به کار گرفته می شود (کمیسسیون اروپا، ۲۰۱۵؛ هال، ۲۰۰۴؛ میهالیچ، ۲۰۱۷). میهالیچ (۲۰۱۷) به بحث درباره تجربه توسعه گردشگری مبتنی بر الحاق به اتحادیه اروپا ۲۰۰۴ کشورهای با اقتصاد در حال گذار و حوزه های اصلی تغییر مربوطه پرداخت. یکی از این حوزه ها، تغییر به سوی جذب گردشگری بین المللی است. با این حال، مطالعه میهالیچ هیچ پژوهشی را نیافت به ارزیابی تأثیر گردشگری بر رشد اقتصادی و توسعه

انسانی^۱ (HD) از دیدگاه بنیادی و تجربی پرداخته باشد. مطالعه حاضر این خلاء را با پیروی از نظریه های مزیت نسبی^۲ و HD^۳ پر می کند. نظریه مزیت نسبی، مسیر نحوه مشارکت در تخصیص مجدد منابع را نشان می دهد. هدف مزیت نسبی بیشینه سازی تولید و مصرف (شوماخر، ۲۰۱۳)، و ایجاد منفعت رفاهی است. توسعه انسانی بیشتر از منفعت رفاهی بوده و به گسترش انتخاب ها و فرصت های آزاد و نیز گزینه ها و شرایط ارزشمند زندگی اشاره دارد (سن، ۱۹۹۳، ۱۹۹۹).

مطالعه حاضر استدلال می کند که تخصص گرایی گردشگری^۴ (TS) منابع اقتصادی را برای بهبود ساختار فرصت اجتماعی در راستای انتخابگری انسان پدید می آورد. فرضیه رشد تحت هدایت گردشگری^۴ (TLGH) به رابطه مثبت بین TS و رشد اقتصادی متکی است (هزری و اسگرو، ۱۹۹۵؛ لانزا و پیگلیارو، ۲۰۰۰؛ مارسیگلیو، ۲۰۱۸). توسعه انسانی طبق تعریف سن (۱۹۹۰) عبارتست از گسترش انتخابگری انسان برای تحقق پتانسیل جوهره هر انسان. با این حال، جوامع از نظر ساختار فرصت ارائه شده به افراد برای آشکارسازی پتانسیل خود با هم تفاوت دارند. به عبارت دیگر، TS می تواند باعث رشد اقتصادی شده و رشد اقتصادی نیز باعث گسترش HD شده و یا TS مستقیماً HD را گسترش می دهد. همچنین، بر اساس رویکرد قابلیت های سن (۱۹۹۹)، HD ممکن است پیشایندی برای رشد اقتصادی باشد. نهایتاً ممکن است به دلیل شکست های بازار، فساد، ضعف سازمانی و نابرابری، رشد اقتصادی در گسترش HD متجلی نگردد. مفسران بر این باورند که رشد اقتصادی معیار کافی برای پیشرفت اجتماعی محسوب نمی گردد (استیگلیتز، فیتوسی و دوراند، ۲۰۱۹).

نظریه مزیت نسبی موجود در مطالعه ریکاردو (۲۰۰۱) اظهار می دارد که تخصص گرایی و تجارت ناشی از اختلاف هزینه و هزینه فرصت در میان کشورهاست. مفروضات اصلی نظریه مزیت نسبی ریکاردو به بهره گیری کامل از عوامل تولید تکیه دارد که نشان می دهد عرضه منجر به ایجاد تقاضا می گردد. با این حال، مطالعه حاضر استدلال می کند که مزیت نسبی ریکاردو (۲۰۰۱) به سوالات اساسی که اقتصادهای در حال گذار با آن مواجه هستند پاسخ کافی نمی دهد. این اقتصادها عوامل کم استفاده تولید را نشان می دهند که با فرض عوامل کاملاً استفاده شده تولید توسط مزیت نسبی استاندارد متناقض است. این مساله که تمام عوامل مزبور باید کاملاً برای تخصص گرایی به کار گرفته شوند ظاهراً برای تحریف واقعیت بسیاری از اقتصادها مفید می باشد (چنری، ۱۹۶۱؛ سایفر و دیتز، ۱۹۹۸؛ پلامپر و گراف، ۲۰۰۱). نهایتاً، مزیت نسبی ریکاردو، منفعت موقت کشورهای مزبور را در خصوص گسترش تولید و مصرف فراتر از ظرفیت تولید داخلی مفروض می دارد. با این حال این پیش فرض، احتمال سود و زیان آتی به واسطه تغییر شرایط داد و ستد^۵ (ToT) را نفی می کند؛ و تخصص گرایی می تواند به گزینه بهینه یا زیربهمینه ای در گذر زمان تبدیل شود (سایفر و دیتز، ۱۹۹۸). اید رویکرد مزیت نسبی استاندارد نه برای پاسخ دهی به مساله بنیادین کشورهای در حال توسعه و نه اقتصادهای در حال گذر کافی نباشد.

تنها برخی از مطالعات گردشگری از چارچوب مزیت نسبی عمدتاً به تبع اظهارات مزیت رقابتی استاندارد عمومی استفاده نمودند (ژانگ و جنسن، ۲۰۰۷). اقتصادهای در حال گذار قبلی، به عنوان مثال، اسپانیا در اواخر دهه ۱۹۵۰ با مرحله جدیدی از باز

¹ human development

² comparative advantage

³ tourism specialization

⁴ Tourism Led Growth Hypothesis

⁵ terms-of-trade

بودن اقتصاد آن، بر مزیت نسبی گردشگری برای برانگیزش توسعه اقتصادی تکیه کردند. به عنوان مثال، بالاگوئر و کانتاولا - جوردا (۲۰۰۲) اظهار داشتند که گردشگری با آوردن ارز خارجی برای پرداخت هزینه وارداتی که منافع بین‌زمانی را برای اسپانیا فراهم ساخته، هزینه گذار اقتصادی اسپانیا را تامین کرده است. مزیت نسبی ریکاردو به دلیل مفهوم سازی ایستای خود، برای تبیین TS به عنوان یک فرآیند پویا، ناکافی به نظر می‌رسد که توسط نواک، پتیت و سالی (2010) نیز اثبات شده است. مطالعه آنان نحوه تغییر نوع تخصص‌گرایی کشورهای متعدد، تخصص‌زدایی در یک بخش، ترقی در صنعت گردشگری و تقویت تخصص‌گرایی بالادستی و پایین دستی را به دلیل شرایط مختلف نشان داد. به گفته نواک و همکاران (۲۰۱۰)، این تحرکات، الگوهای TS و سود و زیان بالقوه آن‌ها را مشخص می‌کند. از این رو، رابطه بین مزیت نسبی استاندارد و TS، رشد، و رفاه (HD) مبهم می‌باشد.

مقاله حاضر به سه سوال تحقیق پاسخ می‌دهد. (1) چه چیزی ارتباط مفهومی بین TS و HD را ایجاد می‌کند؟ در پاسخ، مفروضات نظریه تجارت، نظریه تقاضای مصرف‌کننده و رویکرد قابلیت‌سن، رابطه مفهومی مزبور را تبیین می‌کنند. (2) رابطه و جهت این دو سازه چه شکلی است؟ (3) رابطه بین TS، رشد و HD چیست؟ مطالعه حاضر به تبع یانگ و انجی (1993) و ساکس، یانگ و ژانگ (1999)، مفهوم مزیت نسبی پویا را بر می‌گزیند. این رویکرد بستر مفهومی پویایی را برای ارزیابی اقتصادهای در حال گذار فرض می‌کند زیرا تخصص‌گرایی موضوع انتخاب است (ساکس و همکاران، 1999؛ شوماخر، 2013؛ یانگ و انجی، 1993).

مطالعه ما چهار بینش جدید را ارائه می‌کند. نخست، این مطالعه مفهوم TS را تعریف می‌کند. مطالعات گردشگری تعاریف مختصری ارائه می‌نمایند زیرا آن‌ها بر تاثیر تجربی آن بر رشد اقتصادی تمرکز دارند. در ثانی، مطالعه حاضر پیوند مفهومی را بین TS و HD به واسطه چارچوب تقسیم‌کار عرضه می‌نماید. ما این رابطه را به مزیت نسبی درون‌زا منضم می‌کنیم که انتخاب آگاهانه را به جای فرض خودکار مزیت نسبی استاندارد تصور می‌کند چرا که هر گونه تخصص‌گرایی برای رشد، رفاه و HD اهمیت دارد. ثالثاً، در حالی که مطالعه حاضر از رویکرد مطالعه موردی (لهستان به عنوان کشوری پساکموننیستی) استفاده نموده و بر پایه آن استوار است، در پی درک عمومیت نیز می‌باشد که با معیار دوگانگی مد نظر کتوکیوی و چوی (2014) مطابقت دارد. رابعاً، مطالعه حاضر از تکنیک‌های اقتصادسنجی دقیقی برای شناسایی منابعی که موجب تسریع و تداوم تحولات در کشورهای پساکموننیستی در کوتاه مدت و بلندمدت می‌شوند، بهره می‌برد. این تکنیک‌ها تعامل پویای بین TS و HD را نشان می‌دهند.

ساختار این مقاله به شرح زیر است. بخش دوم، بررسی ادبیات، به بررسی مفاهیم HD و TS و روابط مفهومی آن‌ها می‌پردازد. بخش سوم به بررسی گزاره‌های متعدد منبعث از بخش قبلی پرداخته و درباره روش مربوطه بحث می‌نماید. بخش چهارم به بحث درباره نتایج اختصاص داشته در حالی که بخش پنجم به جمع‌بندی نتایج و نتیجه‌گیری‌ها ضمن بحث درباره پیامدهای تحقیق می‌پردازد.

2.1. مفهوم سازی تخصص گرایی گردشگری

مفهوم تخصص گرایی برگرفته از نظریه مزیت نسبی دیوید ریکاردو (2011) می باشد. ریکاردو رویکرد مزیت نسبی خود را متکی به تفاوت های هزینه تولید می داند. یک کشور در فعالیت کارآمدتر نیروی کار تخصص دارد؛ بکارگیری این تخصص گرایی باعث تقویت تجلی اثرات ارتقاء رفاه در منفعت دوجانبه افراد می گردد (شوماخر، 2013). مزیت نسبی، هزینه های فرصت تولید یک کالا را با قیمت صادرات یا واردات آن کالا نشان می دهد. چارچوب مزیت نسبی اظهار می کند که تفاوت هزینه و هزینه های فرصت در میان کشورهای مختلف تعیین کننده تخصص گرایی و تجارت بوده و این شرایط ارتقاء دهنده رفاه است. دلیل ساله اخیر آن است که تخصص گرایی و تجارت امکانات مصرفی کشور را فراتر از تولید داخلی به پیش می برند. بر طبق مدل هکشر – اوهلین هزینه های فرصت ملی ممکن است به دلیل توانمندی های مختلف عوامل تولید متفاوت باشد. هدف مزیت نسبی بیشینه سازی تولید و مصرف است (شوماخر، 2013).

با این حال، به نظر نمی رسد که مزیت نسبی ریکاردو، پاسخ کافی برای سوالات بنیادینی داشته باشد که اقتصادهای در حال گذار با آن مواجه هستند. مزیت نسبی ریکاردو تنها بر ظرفیت تولید محدود به منابع استوار بوده و تعدیل خودکار تراز منافع تجاری را میان کشورهای مختلف پیشنهاد می کند. شناخت تاثیر کلی تراز تجاری ممکن نیست. به نظر می رسد تراز تجاری به کشش قیمتی عرضه و تقاضا بستگی داشته باشد (شوماخر، 2013). افزون بر این، سود حاصل از تفاوت هزینه نسبی، مزایای موقتی را ایجاد می کند و هر گونه سود و یا زیان پویا را نادیده می گیرد. به عبارت دیگر، مزیت نسبی ریکاردو ایستا می باشد و قادر به تبیین فعالیت های اقتصادی پویا نبوده که می تواند موجب سود یا زیان شود.

متناوباً، مطالعه حاضر TS را به عنوان مفهوم پویای تاثیرگذار بر سازماندهی مجدد اقتصادی کشور تصور می کند. آدام اسمیت (۲۰۰۵) تخصص گرایی را نتیجه تقسیم کار می داند که به نظر وی به گستره بازار و اولویت های مصرف کننده برای کالاها یا خدمات خاص بستگی دارد. بازارهای بزرگ تر به معنای فروش بیشتر بسته به درآمد و کشش قیمتی و افزایش فرصت گسترش تقسیم کار و تخصص است. به گفته اسمیت (۲۰۰۵)، تقسیم کار پیشاپند HD محسوب می شود. اسمیت اظهار نمود که تفاوت در بهره وری و اولویت های تقاضا، تجارت و سود مازاد اقتصادی جامعه را تعیین می کنند. این تفاوت ها در صورتی وجود دارند که افراد سطوح مختلفی از تخصیص نیروی کار را در تولید کالا برگزینند. بنابراین، تفاوت های موجود در بهره وری به انتخاب افراد در زمینه سطح تخصص گرایی (ساکس و همکاران، ۱۹۹۹؛ یانگ و انجی، ۱۹۹۳)، و اولویت مصرف آن ها بستگی دارد.

انتخاب های افراد در تخصیص نیروی کار تعیین کننده سطوح و الگوهای تخصص گرایی است (ساکس و همکاران، ۱۹۹۹؛ یانگ و انجی، ۱۹۹۳). یانگ و انجی (۱۹۹۳) به انتخاب های افراد برای مشارکت در یادگیری عملی^۶ اشاره نموده که این اقدامات سطح و شدت بهره وری را شکل می دهند. بهره وری به تجربه سازماندهی فرآیندهای تخصص گرایی موجود بستگی دارد - که سنگ بنای مزیت نسبی درون زا می باشد. مزیت رقابتی ورن زاپویا بوده و اظهار می کند که تخصص گرایی منبع رشد بهره وری و

⁶ learning-by-doing

تجارت به واسطه صرفه مقیاس^۷ (شوماخر، ۲۰۱۳) و الگوهای مصرف است. دو شرط باید برای مزیت رقابتی درون را جهت ایجاد اثرات ارتقاء رفاه وجود داشته باشند: یادگیری عملی (تجربه فرآیند تولید) و گسترش تقاضا برای کالا (کشش تقاضا).

دانش پژوهان گردشگری مانند حسن (2000) و ژانگ و جنسن (2007) از مفهوم سازی مزیت رقابتی پیروی می کنند. به عنوان مثال، ژانگ و جنسن (2007) استدلال نمودند که رویکردهای عرضه گرا، جریان های گردشگری بین المللی را در مقایسه با مطالعات تقاضا کامل تر توضیح می دهند. از دیدگاه آن ها، جریان های گردشگری به دلیل مزایای نسبی ناشی از فناوری (کارایی نیروی کار) و توانمندی ها (منابع در دسترس نسبتاً فراوان) است. با این حال، دیدگاه مزبور تخصص گرایی را رویداد موقتی در نظر می گیرد و یکی از مهم ترین مفروضات نظریه مزیت نسبی ریکاردو، یعنی استفاده کامل از منابع موجود را نقض می کند. استفاده کامل از منابع با واقعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته همخوانی ندارد. نواک و همکاران (2010) بیان و اثبات نمودند که گردشگری شامل فرآیندهای تخصص گرایی پویایی می شود و این فرآیندها بر هزینه های عامل^۸ تاثیرگذار هستند. هزینه های عامل می تواند افزایش یافته و به افت ToT منجر شود (بگواتی، ۱۹۶۸).

افزون بر این، فرض مزیت نسبی ریکاردو بر این است که فرآیند تولید خطی بوده که در تولید گردشگری مساله ساز می باشد. تولید گردشگری همگن نبوده و مطابق اظهارات استبلر، پاپاتئودورو و سینکلر (2010) به فراوانی عامل بستگی دارد که تعیین کننده نوع شدت گردشگری می باشد. نیروی کار و شدت سرمایه در میان کشورهای مختلف بسته به چرخه زندگی آن ها متفاوت است. همچنین، اقتصادهای خارجی ممکن است وجود داشته باشند، و قیمت های عامل بازار ممکن است با هزینه فرصت آن ها به دلیل نقص بازار متفاوت باشد (کاندلا و فیگینی، 2010). نهایتاً، نظریه ریکاردو، تقاضا را منبع تولید لحاظ نمی کند.

مطالعه حاضر TS را رویکردی عرضه گرا می داند که بسته به گستره بازار به کشش تقاضا وابسته است. در واقع، TS بیانگر فرآیند پویای ادغام منابع و دارایی ها بوده که به بازارهای گردشگری حس مکانی و هویت می بخشد. این فرآیند شامل سازماندهی و هماهنگی چندین عامل در ایجاد و مدیریت تجربه ای منحصر به فرد، و درک عوامل تعیین کننده تقاضا برای آن تجربه می باشد. شرایط همواره متغیر در همسویی فرآیندها و اولویت های تولید (نواک و همکاران، 2010) ملزم به یادگیری اجتماعی ثابتی است تا تجربیات با هزینه کمتری ایجاد و پردازش شوند. این یادگیری مداوم به احساسات و برداشت افراد نسبت به مزایای TS بستگی دارد. در واقع، TS نوعی فرآیند تخصیص منابع و تعامل در فرصت های ایجاد بازار برای تسهیل رشد HD است. تولید گردشگری رابط همزمانی را بین عوامل عرضه و تقاضا نشان می دهد و مهارت اقتصادی گردشگری بر کشش تقاضا تکیه دارد. در گردشگری، این دو شرط خودکار نیستند. این مشکل خود را در مسائل هماهنگی و انگیزه مقصد نشان می دهد (کاندلا و فیگینی، 2010). اسمرال (2012، 2016) و کروس و ریدرستات (2017) نشان دادند که اثرات درآمد در گذر زمان تغییر نموده و مصرف گردشگری را شکل می دهند. مطالعات مربوط به TS عمدتاً بر ارزیابی مفهوم متمرکز هستند (بیاجی، لادو و رویونلا، 2017؛ کروس، 2013؛ ریدرستات، کروس و نیجکمپ، 2016) تا تعریف مفهوم. به نظر می رسد که فرض مطالعات بر این است که TS به مزیت نسبی موجود در نظریه تجارت تکیه دارد که توسط ریکاردو (1973) مطرح شده است. مطالعه گردشگری در چارچوب مزیت نسبی درون زا وجود ندارد.

⁷ economies of scale

⁸ Factor cost

۲.۲. تخصص گرایی گردشگری و رشد اقتصادی

تخصص گرایی گردشگری می تواند رشد اقتصادی را تعیین کند. تقاضای بیشتر از طریق ورود گردشگر بیشتر به دو طریق با رشد اقتصادی ارتباط دارد. نخست، گردشگران بابت اسکان، غذا، جاذبه های گردشگری، خرید، حمل و نقل، سوغاتی و سرگرمی هزینه می کنند. این هزینه مستقیماً به شرکت ها (سرمایه گذاری ها، سودها)، خانوارها (دستمزدها، انعام، خدمات)، و دولت (عوارض، مالیات، کالاها و خدمات) پرداخت می شود. در ثانی، ورود گردشگر از طریق تقاضا منجر به اثرات غیرمستقیمی بر GDP از طریق سرریز بهره وری می گردد مانند زمانی که شرکت های مهمان نوازی بین المللی خود در یک مقصد کارکنان زبده، دانش و ایده های جدیدی می آورند. این ایده های جدید می توانند به فرآیندهای مدیریتی بهبود بهره وری، محصولات یا خدمات جدید، یا بخش های جدید بازار مربوط باشند. همچنین، آن ها می توانند با تاثیرگذاری بر کارآفرینان محلی، استانداردهای قابل مقایسه و کیفیت کالاها و خدماتی را که شرکت ها و زنجیره های بزرگ بین المللی باید خود خواهان و در پی حفظ آن باشند، برآورده نمایند.

تحلیلگران تخصص گرایی گردشگری معمولاً به بررسی رابطه بین توسعه گردشگری و رشد اقتصادی می پردازند. در کل، آن ها رابطه مثبتی را یافتند، بنابراین اقتصادهای کشورها با افزایش فعالیت گردشگری رشد می نمایند (آلگیری، 2006؛ بلاگوئر و کانتاولا - جوردا، 2002؛ چانگ، کمکائف و مک آلیر، 2001؛ کروس، 2013؛ دوربری، 2004؛ پیگلیارو و لانزا، 2000؛ پیوتروفسکی، ارزکی و چریف، 2009؛ ریدرستات و همکاران، 2016؛ شوپرت، بریدا و ریسو، 2011). برای مثال، هولزئر (۲۰۱۱)، ضمن بررسی ۱۳۰ کشور در تقریباً چهار دهه، دریافت که کشورهای وابسته به گردشگری به میانگین رشد اقتصادی بالایی دست یافتند. این رابطه مثبت زیربنای فرضیه رشد تحت هدایت گردشگری (TLGH) است که از دو اصل اساسی تشکیل می گردد. نخست، اظهار می گردد که عواید گردشگری منجر به ایجاد درآمد، شغل و سرمایه گذاری در سراسر اقتصاد شده و بر بخش های مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تجربه گردشگری تاثیر می گذارد. در ثانی، اثرات گسترده گردشگری مشوق فعالیت های اقتصادی است که به رشد اقتصادی می انجامد (فیگینی و ویچی، ۲۰۱۰؛ لین، یانگ و لی، ۲۰۱۹؛ پابلو - رومرو و مولینا، ۲۰۱۳).

ادبیات گردشگری دو منبع بانی رابطه مثبت بین TS و رشد اقتصادی را نشان می دهند. به گفته براو، لانزا و پیگلیارو (2007)، لانزا و پیگلیارو (2000)، نارایان، نارایان، پراساد و پراساد (2010)، سیتانا (2011)، کروس (2013) و ریدرستات و همکاران (2016)، ظاهراً اندازه کوچک در ایجاد رابطه مثبت ضروری است. سکوئیرا و ماکاس نونز (2008) و چانگ و همکاران (2012) دریافتند کشورهای در حال توسعه و مقصدهای با اقتصاد ضعیف تر، منفعت معنی داری از توسعه گردشگری می برند. اخیراً، دویتا و کایاو (2017) دریافتند که سطوح توسعه اقتصادی باعث ایجاد روابط مثبت بین TS و رشد اقتصادی می شوند. در حالی که این مطالعات بیانگر رابطه خطی این دو سازه است، محققانی مانند چانگ و همکاران (2012)، فیگینی و ویچی (2010)، و آدامو و کلریدس (2010) اظهار داشتند که رابطه بین TS و رشد اقتصادی خطی نیست. رابطه غیرخطی بیانگر نوسانات پویا و اثرات آستانه ناشی از تعاملات سازه ها با پیامدهای سیاسی مربوطه بالقوه است.

۲.۳. تخصص گرایی گردشگری و توسعه انسانی

جریان اصلی مطالعات عموماً بر رشد اقتصادی متمرکز است (ایسترلی، ۲۰۰۲؛ سولو، ۱۹۵۶). فرضیه این دیدگاه نشان می دهد که سلائیق افراد همگن می باشد. رد اخیر بدین معناست که این ویژگی فرصت مشارکت در منفعت مادی را فراهم می آورد. بنابراین، هدف اولیه توسعه تخصیص کارآمد منابع برای بیشینه سازی رشد و مصرف است. توسعه رشد و مصرف، سنجش غائی رفاه

می باشد (آگیون و بولتون، 1997). سن (۱۹۸۵، ۱۹۹۰، ۱۹۹۹) این دیدگاه رشد محور توسعه را از طریق رویکرد قابلیت خود به چالش کشید. توسعه انسانی، فرآیند گسترش آزادی واقعی است که افراد از کنترل بر زندگی که برای ارزشمندی آن دلیل دارند، برخوردار هستند (سن، ۱۹۹۹، ص ۳).

درک سن از توسعه، آزادی انتخاب است و گسترش انتخاب ها و فرصت های آزاد، مساله رویکرد قابلیت های سن است. سن (۱۹۹۹) اظهار می کند که هر ارزیابی HD باید مستقیماً با ریشه های بنیادین آن مرتبط باشد (یعنی فرصت های موجود و آزادی انتخاب این فرصت ها) و نه پیشایندهای ابزاری آن (یعنی دارایی و درآمد). به عبارت دیگر، درآمد و دارایی ها مجموعه کامل ابعاد تجربه انسانی را لحاظ نمی کنند. سن اظهار داشت که HD بر روی سه رکن استوار است: فرصت ها (قابلیت ها)، دستاوردها (کارکرد)، و آزادی انتخاب برای اقدامات لازمه و تصرف فرصت ها (سن، ۱۹۹۳).

در دیدگاه سن، مهم ترین عامل قابلیت افراد برای دستیابی به شرایط خاص زندگی است. منابع یا دارایی ها بر کارکرد تاثیر گذاشته و از طریق دستاوردها آشکار می شوند. افزون بر این، دستاوردها با توجه به فرصت ها و نتایج حاصله تعیین شده که می تواند منجر به افزایش کیفیت HD گردد. استانداردهای تعریف HD، گستره انتخاب ها، آزادی انتخاب بر طبق آرمان ها، و منابع تحقق این آرمان ها هستند (کروس، ۲۰۱۲). در حالی که جریان اصلی مطالعات توسعه افراد را همگن نشان می دهند، تنوع واقعی را در رابطه با توانایی ها، شرایط، فرصت ها و تجارب آنان آشکار می نمایند. بنابراین، درآمد معیار کافی برای پرداختن به جنبه های چندبُعدی انسان نمی باشد.

در واقع، HD به فرصت های ارائه شده جامعه وابستگی دارد. آشکارسازی پتانسیل انسانی مستلزم منابع اقتصادی است که بتواند فرصت های سومند برای نتایج انتخاب انسان را افشاء نموده و بهبود بخشد. بسیج و تخصیص منابع در نتیجه فرصت های ایجاد بازار شکل گرفته و بر گسترش مرز تولید از طریق مصرف کنندگان جدید متمرکز است. گزینش بازارهای جدید برای ایجاد فرصت های تولید حیاتی می باشد؛ این انتخاب سود یا زیان رفاه بینا زمانی^۹ را تعیین می کند.

درآمد بالاتر لزوماً به HD تبدیل نمی شود. شواهد حاکی از عدم موفقیت مقصدها در ارائه مزایا به افراد محلی تحت بیشینه سازی درآمد مقصد هستند. همچنین شواهد نشان می دهند که افزایش درآمد شاهد کاهش سود حاشیه ای بوده است. نحوه تاثیرگذاری منابع بر HD مشخص نیست چرا که خواسته ها و تمایلات تعارض دارند. دریافتی بالاتر گردشگری به دلیل پولسازی آن نیست. بلکه، دریافتی گردشگری به توسعه اجتماعی - اقتصادی منجر می شود که محدودیت های وجودی مربوط به انتخابگری انسان را با افزایش منابع فردی (درآمد، مهارت ها، بهداشت و غیره) کاهش می دهد (سن، ۱۹۹۹). اگر منابع پولی به سمت فرصت های پشتیبانی از بهداشت و درمان، آموزش، زیرساخت ها، امکانات رفاهی زندگی، و مجاهدت معنادار زندگی هدایت شوند، آنگاه HD ارتقا می یابد. ماهیت چندبُعدی توسعه انسانی بدین معناست که فرد باید از آزادی زندگی به نحوی برخوردار باشد آرمان و آرزوی اوست. در کل، این HD حاصله به توزیع منابع (برابری) ممتی بوده؛ و فرصت های لازم برای هدایت یک زندگی ارزشمند با نتایج معنادار زندگی مرتبط هستند (کروس، ریدرستات و ون نیکرک، 2018).

⁹ intertemporal

2.4. اتصال تخصص گرایی گردشگری و توسعه انسانی

تخصص گرایی گردشگری منابع مادی را برای جامعه فراهم آورده و منابع موجود را با استفاده از افزایش درآمدها، مهارت ها و اطلاعات که قادر به تسهیل منابع فیزیکی و فکری افراد هستند متمایز می نماید (سن، ۱۹۹۹). ارائه منابع مادی با گسترش انتخاب ها و فرصت ها که مکمل زندگی سالم و رضایتبخش هستند از HD پشتیبانی می کند. گردشگران به تجارب منحصر به فردی نیاز دارند و تعامل با ساکنان مقصد در تعریف و تجلی معنای تجارب حیاتی است. لذا، افزایش مهارت و اطلاعات ساکنان به تجارب مثبت گردشگری کمک می کند. منابعی که گردشگران را راضی می کند باعث افزایش صرف هزینه و منابع مادی بیشتر در مقصد برای رفع نیازهای اجتماعی مردم مانند بهداشت و آموزش می شود (کروس و همکاران، ۲۰۱۸).

یک زندگی سالم تر و نیروی کار تحصیلکرده به بهره وری بالاتری منتج می گردد. به عنوان مثال، قلی پور، تجدینی و انگوین (2016) دریافتند که گردشگران بین المللی ترجیح می دهند که از کشورهای شادتر بازدید کرده و پول بیشتری در آن خرج کنند. ریدرستات و همکاران (2016)، وو، کیم و اويسال (2015) و کروس (2012) نیز نتایج مشابهی یافتند. بیاجی و همکاران (2017) با بررسی ۶۳ کشور توسعه یافته و در حال توسعه دریافتند که TS اثر مثبت و معنی داری بر HD دارد.

بنابراین، مطالعه حاضر نشان می دهد که بین TS و HD روابطی وجود دارد. با این حال، ماهیت این روابط به آسانی مشخص نمی گردد زیرا روابط مزبور تحت تاثیر قدرت گردشگری در ساختار اقتصادی، نابرابری، نقص بازار و ضعف سازمانی قرار دارند. به عنوان مثال، ایجاد تجارب خاطره انگیز، گردشگران راضی را تحریک می کند تا پول بیشتری را خرج نمایند. مع الوصف، عملکرد قوی گردشگری بین المللی (درآمد) بازده کاهشی را نشان داده (آدامو و کلریدس، 2010) که به ساکنان آسیب می رساند.

2.5. همگذاری

در نتیجه، TS از طریق رشد اقتصادی تاثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر HD دارد. عوامل مداخله گر (به عنوان مثال، بهره وری، هماهنگی، بسیج منابع و درجه کشش تقاضا)، تعیین کننده ماهیت و قدرت این روابط هستند. شکل ۱ روابط احتمالی بین TS، رشد و HD را به تصویر می کشد.

۳. روش شناسی

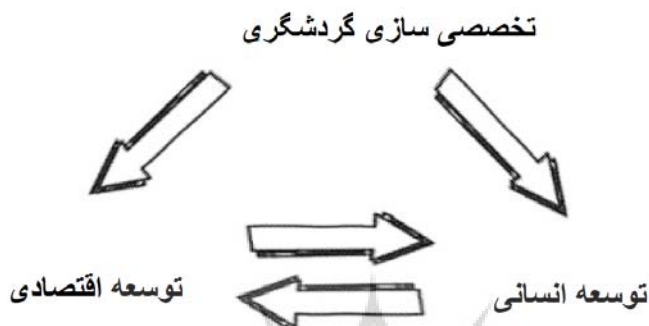
۳.۱. رویکرد مطالعه موردی

مطالعه حاضر از لهستان به عنوان پروکسی اقتصاد در حال گذار استفاده نمود. لهستان در زمره نخستین کشورهای بود که از یک اقتصاد برنامه متمرکز عبور کرده و نخستین کشوری بود که دوران گذار را به اتمام رساند (ویلیامز و بالاز، ۲۰۰۰). تقاضای کل، که در نتیجه تجارت (رشد صادرات) ایجاد می شود، در گذار به سوی اقتصاد بازار حیاتی می باشد (کوتلینسکی، ۲۰۰۴). توسعه گردشگری نقش پیشگام را در منبع یابی ارز خارجی، حمایت و ترویج اقتصاد بازار سریع در کشورهای مربوطه ایفاء می نماید (ویلیامز و بالاز، 2000). در این راستا، ارزیابی نقش TS در انتخاب تجارت آزاد برای لهستان ضروری است. سازمان جهانی گردشگری^{۱۰}

¹⁰ World Tourism Organization

(WTO) لهستان را به دلیل رشد گردشگری آن از ۱۹۹۰ الی ۱۹۹۸، بزرگترین گردشگران در اروپای شرقی اطلاق نمود (کوتلینسکی، ۲۰۰۴). آنگاه، این کشور در رده بندی WTO از رتبه ۲۷ام به رتبه ۸ام پربازدیدترین کشور اروپایی صعود نمود.

شکل ۱: مدل مفهومی



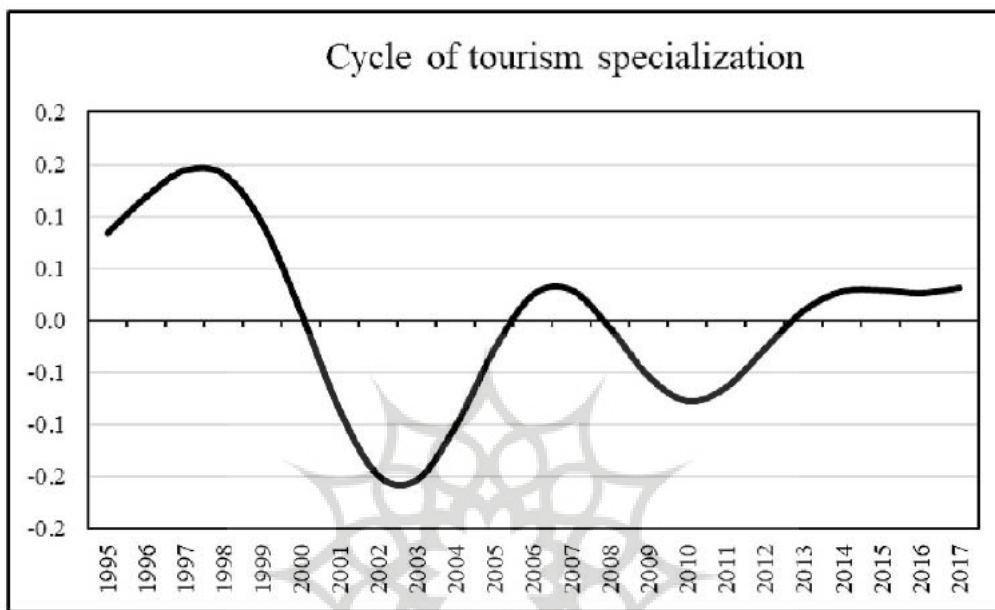
رشد سالانه گردشگری نشان می دهد که لهستان مقصد جذابی می باشد. این کشور رتبه ۴۶ام را در گزارش رقابت در سفر و گردشگری، ۲۰۱۷ (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸) و رتبه ۵۰ام را در شاخص عملکرد زیست محیطی (شاخص عملکرد زیست محیطی، ۲۰۱۴) داراست. شورای جهانی سفر و گردشگری^{۱۱} (WTTC) برآورد می کند که گردشگری نمایانگر تقریباً ۷۳۷۰۰۰ شغل (4.5 درصد نیروی کار) و ۲۶.۳ میلیارد دلار یا ۴.۵ درصد کل اقتصاد در سال ۲۰۱۸ می باشد. گردشگری در دوران گذار لهستان نقش مهمی را ایفاء نمود. در واقع، TS الگوی U شکلی را در گذر زمان آشکار نمود که اهمیت قابل توجه آن را در آغاز، کاهش آن را در دهه ۱۹۹۰ و افزایش دوباره آن را در این قرن نشان می دهد (شکل ۲ را ملاحظه نمایید).

به رغم اولویت پایین لهستان در رابطه با پایداری (زینتارا و زاموجسکا، ۲۰۱۸)، این کشور دارای میراث فرهنگی و زیبایی طبیعی غنی، غذاهای محلی و سنت های بومی مشهوری است. در حقیقت، جنگل ها که ۲۸.۳ درصد قلمرو کشور را تشکیل می دهند و رودخانه های بی نظیری وجود دارند. مناطق روستایی و حاشیه ای آن (مسکن نزدیک به ۳۸ درصد جمعیت) از بیکاری و فقر بالاتر از متوسط رنج می برند. این مناطقی می توانند از پتانسیل گردشگری خود برای تبدیل ثروت های اجتماعی - اقتصادی خویش بهره برداری نمایند.

پیش از ۱۹۸۹، توسعه گردشگری لهستان، گردشگری اجتماعی و عمدتاً داخلی بود (گاج، ۲۰۰۳). فروپاشی کمونیسم در سال ۱۹۸۹، زمانی که لهستان به کشوری دموکراتیک با مرزهای باز تبدیل شد، نقطه عطفی را مشخص نمود (بک، ۲۰۱۱). بخش خصوصی پیشگام توسعه گردشگری بود: امکانات اقامتی کوچک، شرکت های غالباً خانوادگی، کم کم پدیدار شدند. دریافتی گردشگری بین المللی از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۸ شاهد میانگین رشد سالانه ۴.۲ درصدی بود در حالی که ورود گردشگران بین المللی یکنواخت بود؛ صرف هزینه به ازای ورود هر گردشگر در گذر زمان افزایش یافت. هدف اصلی از بازدید لهستان، خرید و فعالیت های اوقات

¹¹ World Travel and Tourism Council

فراغت بود و گردشگران بین المللی عمدتاً از آلمان و کشورهای بالتیک بودند. ویکوفسکی و سریچ (2016) اظهار داشتند که گردشگری به منبع معنی دار درآمد و محرکی برای کمک های مالی اروپا تبدیل شده است. در همان دوره، این کشور از رشد اقتصادی بالا (3 الی 4 درصد) و بیکاری پایین (5 الی 6 درصد) برخوردار بود.



شکل 2: چرخه تخصصی سازی گردشگری

فرضیات

بحث در نقد و بررسی ادبیات و مطالعه گروس و دیگران (2018)، مبنای لازم برای تشکیل فرضیات، به منظور بررسی ارتباطات بین تخصص توریسم و توسعه اقتصادی و انسانی را ارائه می نماید.

این فرضیات، در مطالعه ما، بیشتر محک زده می شوند.

H1: تخصصی سازی گردشگری تأثیر غیرخطی بر توسعه اقتصادی لهستان دارد.

H2: تخصصی سازی گردشگری تأثیر غیرخطی بر توسعه انسانی در لهستان دارد.

H3: توسعه اقتصادی تأثیر مثبتی بر توسعه انسانی در لهستان دارد.

H4: توسعه انسانی تأثیر غیرخطی بر توسعه اقتصادی لهستان دارد.

توسعه تکنیک های اقتصاد سنجی.

این مدل شامل، توریست‌هایی می‌شود که در فعالیت‌های مصرفی، طبق سرمایه‌فیزیکی جذاب (هتل‌ها، رستوران‌ها، میراث، غیره)، سرمایه طبیعی (سواحل، کوهستان‌ها و غیره) و انسانی مشارکت می‌نمایند. خروجی از طریق یک تابع تولید گاب-داگلاس تولید می‌شود. تقاضای توریسم مازاد بر سایر بخش‌های اقتصادی تولیدکننده یک پیامد خارجی^{۱۲} تولید، اثر می‌گذارد (برائو و دیگران (2007)؛ مارسینگلیو (2018)). میزان تقاضا، به طور درون زاد از طریق انتخاب‌های سکنه، پیرامون تراکم سرمایه^{۱۳} فیزیکی و انسانی مشخص می‌گردد. ممکن است، نتوان این انتخاب‌ها تعیین نمود، یک دلیل مقدم و تأثیرات به یادگیری سکنه از این تجربه تخصص، وابسته است (اسچیانتر، کاواناگ و لاکینگتون، 2007). پیامدهای خارجی تولید ممکن است، مثبت یا منفی باشد که روندهای کوتاه مدت یا دراز مدت را آشکار می‌سازد.

جدول 1: تعریف متغیرها

متغیر	توضیح	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف استاندارد
LRGDP	لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی (۱۰۰ = ۲۰۰۵)	4.4682	4.4346	5.2689	3.7305	0.5111
LINV	لگاریتم سرمایه فیزیکی (سهم سرمایه گذاری از تولید ناخالص داخلی) (۱۰۰ = ۲۰۰۶)	4.5688	4.5502	4.8395	4.2210	0.1467
LHUMCAP	لگاریتم میانگین سالهای تحصیل (بزرگسالان) (سالها)	2.4116	2.4292	2.5096	2.2824	0.0762
LTOURSPEC1	لگاریتم تخصصی سازی گردشگری (نسبت درآمد های گردشگری به تولید ناخالص داخلی)	-8.8651	-8.9480	-8.2548	-9.3157	0.2792
LTOURSPEC2	لگاریتم تخصصی سازی گردشگری (سهم کل سفر و گردشگری از تولید ناخالص داخلی)	1.6616	1.6094	2.1282	1.4351	0.2103
LTOURSPEC3	لگاریتم تخصصی سازی گردشگری (درآمد های گردشگری از درصد صادرات)	2.0988	1.8805	3.1567	1.5705	0.5495
LTOURSPEC4	لگاریتم تخصصی سازی گردشگری (نسبت ورود گردشگر به کل جمعیت %)	-0.8896	-0.8896	-0.6832	-1.1657	0.1435
LHDI	لگاریتم شاخص توسعه انسانی	-0.2319	-0.2194	-0.1450	-0.3411	0.0617

عوامل رشد درون زاد نوعی، پیرو مدل رشد درون زاد، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و تصمیمات سیاست هستند (لوکاس، 1988). در آن مدل، نسبت سرمایه انسانی به سرمایه فیزیکی، شدت اقتصادی دینامیک را مشخص می‌نماید. این نسبت دارای اثرات بازگشتی در حال افزایش در یک اقتصاد آزاد است، بدین معنی که تجارت، از اقتصاد، جدایی ناپذیر، محسوب می‌شود. این مدل، در انتخاب برای صادرات، فرصت‌های تخصصی سازی را می‌گشاید که به بهره‌وری بالاتر و رفاه بیشتر منجر می‌شود. اینکه تخصصی سازی، چطور رشد اقتصادی را از طریق توریسم ترویج می‌دهد، که بواسطه تقاضا (کشش‌های درآمدی تقاضا^{۱۴}) و عوامل طرفدار عرضه^{۱۵} (یادگیری از طریق انجام دادن) صورت می‌پذیرد. در یک سناریو TS، رابطه سرمایه فیزیکی و انسانی، به یک کلید برای تولید اقتصادی بدل می‌شود، نشان دادن یک سناریو مثبت زمانیکه تمایل به سوی تولید سرمایه بر^{۱۶} انسانی بیشتر سوق دارد؛ یا ممکن است، تولید، نوسان منفی داشته باشد، زمانیکه کمتر سرمایه بر انسانی می‌شود (برائو و دیگران، 2007؛ مارسینگلیو، 2018).

¹² externality

¹³ capital accumulation

¹⁴ income elasticities

¹⁵ supply side

¹⁶ capital-intensive

جدول 2: نتایج اجزای اصلی

مقدار ویژه	واریانس تجمعی تبیین شده		
	واریانس تبیین شده		
Component 1	3.1444	0.7861	0.7861
Component 2	0.5136	0.1284	0.9145
Component 3	0.3131	0.0783	0.9928
Component 4	0.0289	0.0072	1.0000

پیرو مدل لوکاس، ما متغیرهای تشخیصی را به صورت ذیل انتخاب نمودیم: سرمایه فیزیکی و انسانی، توریسم (صادرات). سرمایه فیزیکی به تاسیسات توریسم و سهام امکانات طبیعی¹⁷ اشاره دارد؛ سرمایه انسانی، بیانگر سهام موجود HD است. این مطالعه، کمی از سرمایه انسانی لوکاس (a la Lucas) منحرف می شود، زیرا لوکاس، سرمایه انسانی را به صورت راهی برای توسعه تولید قلمداد می نماید. این مطالعه، سن (1999) را به جای یک چشم انداز گسترده تر دنبال نمود که در آنجا TS، منابعی را برای توسعه فرصتهایی ارائه می نماید که منجر به زندگی های پربهتر می شود.

این مطالعه، یک تابع تولید translog را برای تعیین ارتباطات بین TS و رشد اقتصاد بکار می برد. این مدل، در تحلیل تجربی ساختارهای تولید شرکتی و صنعتی، رایج است (کیم، 1992). ما از یک رویکرد رگرسیون LIML، برای ارزیابی روابط بین TS و HD استفاده نمودیم. این مدل از تابع تولید هازنر (2011) اقتباس شده است که خروجی (Y) را به عنوان یک سرمایه فیزیکی و تابع TS در نظر می گیرد:

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 K_t + \alpha_2 H_t + \alpha_3 T_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در این رابطه

Y = تابع تولید؛

K = سرمایه فیزیکی؛

H = سرمایه انسانی؛

T = تخصصی سازی توریسم؛

T = زمان؛

¹⁷ natural amenities' stocks

A = ضرایب؛

E = عبارت خطا.

این نسخه اقتباس شده معادله (1)، یک رویکرد غیر خطی را در مدل هالزنر (2011) با شمول نسخه های مربع H, K و T و مقادیر تعاملشان تلفیق می نماید:

$$Y_t = \alpha_0 + \alpha_1 K_t + \alpha_2 H_t + \alpha_3 T_t + \alpha_4 K_t^2 + \alpha_5 H_t^2 + \alpha_6 T_t^2 + \alpha_7 K_t H_t + \alpha_8 K_t T_t + \alpha_9 H_t T_t + \varepsilon_t \quad (2)$$

در این رابطه

K^2, K, H^2 = روابط غیر خطی؛

در حالیکه این مدل محک می زند، سرمایه انسانی و توریسم، بر توسعه اقتصادی اثر می گذارد، معادلات (3الف) و (3ب)، دو مدل سناریو را توصیف می نمایند که در آنها، سرمایه انسانی و TS بر HD سکنه اثر می گذارد. به طور ویژه،

$$HD_t = \beta_0 + \beta_1 H_t + \beta_2 T_t + \beta_3 H_t^2 + \beta_4 T_t^2 + \beta_5 H_t T_t + \theta_t \quad (3a)$$

$$HD_t = \beta_0 + \beta_1 H_t + \beta_2 T_t + \beta_3 H_t^2 + \beta_4 T_t^2 + \beta_5 H_t T_t + \beta_6 Y_t + \theta_t \quad (3b)$$

⊖ = مولفه خطا.

تفاوت بین معادلات 3 الف و 3ب اینطور است که 3 الف، رشد اقتصادی را به صورت یک عامل تعیین کننده HD قلمداد نمی کند، در حالیکه در 3ب، اینطور است. این سناریوها، در زمینه شیوه ای بینش آفرین است که توسعه اقتصادی، HD را فرم دهی می نماید.

بررسی انتخاب متغیر این مطالعه، حائز اهمیت بود. جدول 1، یک مرور کلی از متغیرهای کاربردی را ارائه می دهد (در لگاریتم ها برای محک زدن فرمولاسیون اصلی تابع تولید translog تغییر شکل یافته است). برای Y، تولید ناخالص داخلی حقیقی، با در نظر گرفتن دایفور ایوانز و دیگران (2002) و پیولسکیو (2011) بکار رفت (2005=100). منابع این شاخص، پایگاه داده چشم انداز اقتصادی جهان صندوق بین المللی پول (IMF, 2018) است. با سهم سرمایه گذاری هایی که در GDP جایگزین می شود (2006=100)، هم چنین از پایگاه داده IMF مشتق می شود (IMF, 2018). متغیر H، جایگزین سالهای میانگین تحصیلات افراد در سن 25 سالگی و بیشتر است که از داده های مشتق شده از برنامه توسعه ملل متحد (UNDP, 2018) و پیروی از کوک

(2010) استفاده می نماید. برای TS، چندین شاخص بدون تورش ممکن است، به عنوان پروکسی¹⁸ بکار رود (پرز دیکال و دیگران، 2014، پرز- دیکال، پنا- بوکت و فرناندز، 2014).

چهار پروکسی TS بکار رفت، یعنی دریافت‌های توریسم به نسبت GDP (TOURSPE1)، همبخشی کل سفر و توریسم در GDP (TOURSPE2)، رسیدهای توریسم به صورت درصدی صادرات (TOURSPE3) و ورودهای توریسم به صورت درصدی از جمعیت کل (TOURSPE4)، پیرو اثر گروس و دیگران (2018). منبع TOURSPEC1، گروه بانک جهانی و IMF است، در حالیکه منبع TOURSPEC4، ترکیبی از داده های IMF و بانک جهانی است. این چهار شاخص، در یک متغیر با استفاده از تکنیک مولفه های اصلی ترکیب می شود. طبق گفته بیب_بایگی و دیگران (2017)، یک شاخص ترکیبی از توسعه توریسم، تاثیر توریسم بر HD را بهتر درک خواهد کرد. بکارگیری تکنیک مولفه های اصلی، یک عدد متغیر کوچکتر یا یک مجموعه جدید از متغیرهای ترکیبی (یا مولفه های اصلی) را خلق خواهد کرد که با همدیگر همبسته نیستند (کوپر و اشیندلر، 2011). برای HD، این مطالعه از شاخص توسعه انسانی ملل متحد به عنوان یک پروکسی استفاده کرد.

داده ها برای دوره سال های 1995 تا 2017 جمع آوری می شوند که 23 مشاهده را در بر می گیرد.

به طور ویژه تحلیل میانگین ها و میانه متغیرهای بکار رفته جدول 1، نشان می دهد، دو شاخص تمایل مرکزی، به همدیگر نزدیک هستند. آخری بدین معنی است که ممکن است داده ها به طور یکنواختی رو و زیر تمایل مرکزی، تا درجه فرارایت به صورت بیان شده به ترتیب شاخص های انحراف حداقل، حداکثر و استاندارد منتشر شوند.

با استفاده از تحلیل مولفه های اصلی، این مطالعه، مولفه TS را از چهار پروکسی این شاخص (LTOURSPE1, LTOURSPE2, LTOURSPE3, LTOURSPE4) محاسبه نمود. نتایج مشمول در جدول 2، فقط بیانگر یک مولفه با یک ویژه مقدار بزرگتر از یک است (یعنی ویژه مقدار = 3.1444، برابر با چهار متغیر تعیین کننده تغییرات بیان شده¹⁹). این یک مولفه، حدود 78.61 درصد از تغییرات کل داده ها را شرح می دهد. مولفین، با جمع بستن هر یک از چهار پروکسی انفرادی زمان های TS ویژه مقدار مربوط به خود، مقادیر مولفه TS واحد را تعیین نمودند.

پیرو گروس و دیگران (2018)، این مطالعه از راهبرد تجزیه داده ها استفاده نمود، در اینجا، متغیرهای تحلیل شده، اولاً به مولفه های گرایش و گردشی تقسیم می شوند. تجزیه داده ها، راهبردی است که اغلب در مطالعات زیادی بکار می رود. در مورد داده های سالانه، سه عنصر متفاوت مشمول وجود دارد، یعنی، یک گرایش، یک چرخه و یک مولفه بی قاعده (بیلز و پپرز، 1993). این گرایش، افزایش یا کاهش دراز مدت در داده ها را منعکس می نماید (ماکریداکیس، ویلرایت، هیدمان، 1998). این چرخه، نوسانات موج مانند مکرر داده ها را منعکس می نماید و باز رخدادشان در زمان، ثابت نیست (کیتینگ و ویلسون، 2019؛ ماکریداکیس و دیگران، 1998). مولفه بی قاعده، زمانی باقی می ماند که عناصر روند و چرخه از داده ها حذف شده اند و بسیاری از اختلالات غیر

¹⁸ Proxy، نماینده پروکسی،

¹⁹ explained variance، واریانس تشریح شده

قابل پیش بینی، همانند اعتصاب ها، طوفان ها، جنگ ها و غیره (بیلز و پیرز، 1993). این روند، عنصر دراز مدت داده ها را توصیف می نماید، در حالیکه این چرخه به بخش کوتاه مدت داده ها اشاره می کند. برای کسب این تجزیه، این مطالعه از رویکرد تجزیه کریستیانو و فیتزجرالد (2003) استفاده نمود که یک رویکرد قابل کاربرد به طور وسیع برای تجزیه داده هاست. شکل 2، نتایج تجزیه داده ها به شکل استاندارد را آشکار می سازد. استاندارد سازی برای کسب قیاس پذیری داده ها، ضروری بود. شکل 3.1-3.5، متغیرهای اصلی (استاندارد شده) را پیش از تجزیه، ارائه می دهد، در حالیکه شکل 3.11-3.15، پیشرفت های گردشی متغیرهای بکار رفته را توصیف می نماید. تحلیل داده ها به منظور تعیین این مساله است که آیا سری های گرایش و چرخشی، ساکن هستند یا خیر. برای این منظور، این مطالعه، تست دیکی - فولر (ADF)، تست فیلیپس - پرون (PP) و تست الیوت - روتنبرگ - استاک (ERS) (دیکی و فولر، 1979؛ الیوت، روتنبرگ و استوک، 1996؛ فیلیپس و پرون، 1988) را بررسی نمود.

آنگاه، این مطالعه، LIML برای تعیین اثر متغیر مستقل برگزیده بر بازده اقتصادی و HD را به ترتیب مد نظر قرار داد. LIML از اطلاعات مقدم بر تجربه مربوط به فقط معادله (معادلات) مورد نظر (دریمز، 2012) استفاده نمود که توسط هایاشی (2000) و پوئی (2006) پیشنهاد می شد. این تکنیک در موارد نمونه کوچک، کافی است (یعنی دارایی نمونه منتهی). طبق گفته استوک و یوگو (2005)، LIML هم چنین از تست های مبتنی بر کوچکترین مربعات دو مرحله ای، قویتر است. هم چنین، LIML برای محک زدن درون زایی مجاز است، یعنی عبارت خطای رگرسیون ها، به رگرسیونها، همبسته نیست (گوجاراتی، 2015). چنانچه علائم درون زایی طبق گفته مولفین آخر، وجود داشته باشد، نتایج ضریب برآورد شده باید، متناقض فرض شود.

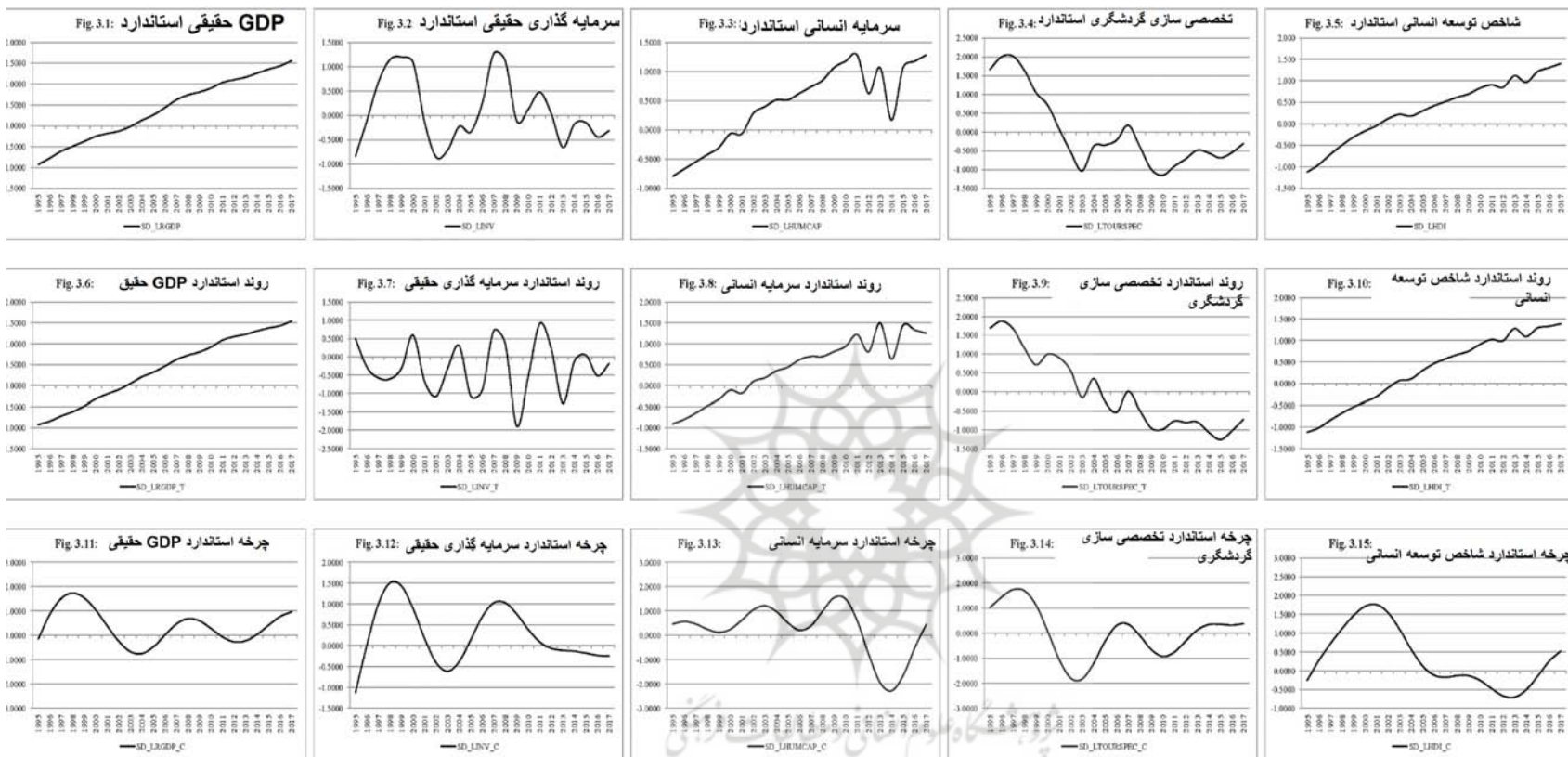
این مطالعه، دو گروه از ابزارها را مورد ارزیابی قرار داد، یعنی مواردی که تاحدی به طور مثبت یا منفی به متغیرهای درون زاد، همبسته هستند، پیرو گوجاراتی (2015) و آن دسته از ابزارهایی که صورت های با تاخیر یا وقفه دار متغیرهای بکار رفته هستند، با اثر هال (1988)، هانسن و سینگلتن (1983)، موری (2006) و یوگو (2004) همراستا هستند.

4. نتایج و بحث

نتایج تست ریشه واحد مولفه های گرایش در جدول 3، حاکی از متغیرهای مرتبط است که ممکن است در این سطح و شکل تفاوت اول مورد تحلیل قرار گیرد. این مطالعه از فرم سطحی برای تحلیل بیشتر استفاده نمود. برای مولفه های گردشی داده ها، نتایج تست ریشه واحد، پیامد مشابهی را نشان می دهد، جز برای متغیر ترکیبی که TS را نشان می دهد، در اینجا این پیامد، یک اولویت را برای شکل تفاوت اول یکپارچگی نشان داد (جدول 4). در نتیجه، این تحلیل، همه متغیرهای موجود در شکل تفاوت اول را مد نظر قرار داد.

سپس، این مطالعه تابع تولید translog مشمول در معادله 2 را با استفاده از رویکرد LIML ارزیابی نمود (جدول 5). از آنجاییکه داده ها، استاندارد شده اند، هیچ عرض از مبدائی در این برآورد، لازم نبود. همانطور که توسط گوجاراتی و پورتر (2009)، خاطر نشان شد، در رگرسیون با متغیرهای استاندارد شده، عرض از مبداء، همیشه صفر خواهد بود.

شکل 3: روند ها و چرخه استاندارد شده



برای مولفه گرایش متغیرها، فقط سرمایه انسانی، در سطح اطمینان 10٪، معنادار یافت شد، به این ترتیب، سرمایه انسانی، برای توسعه دراز مدت بازده اقتصادی لهستان، مرتبط است. برای مولفه کوتاه مدت (چرخش) متغیرهای به کار رفته، سرمایه انسانی و TS، از نظر آماری، به ترتیب در 10٪ و 50٪ معنادار بودند. پیامد منفی و معنادار آماری صورت مربع متغیر سرمایه انسانی، بیانگر این مساله است که تاثیرش، غیر خطی و مقعر بود، بدین معنی که سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی حقیقی لهستان در طول زمان کاهش می یابد. تاثیر ترکیبی بین سرمایه انسانی و TS، هم چنین از نظر آماری، معنادار اما منفی بود، بیانگر این مساله است که هر دو متغیر به صورت پروکسی هایی برای همدیگر عمل می کنند زمانیکه بر خروجی اقتصادی حقیقی لهستان اثر می گذارد. به علاوه، در حالیکه سرمایه گذاری ها، از نظر آماری برای توسعه کوتاه مدت در بازده اقتصادی لهستان، معنادار نبود، صورت مربعش، منفی و به لحاظ آماری معنادار بود، بدین معنی که تاثیر سرمایه گذاری، غیر خطی و مقعر یعنی تاثیر سرمایه گذاری بر اقتصاد لهستان، در طول زمان کاهش می یابد.

جدول 3: نتایج آزمون ریشه واحد (اجزاء روند).

		ADF	PP	ERS	Result
LRGDP	Level	-3.2309 **	-1.8206	-2.0505	I(0) or I (1)
	First difference	-2.3625	-4.1095 **	-2.6075	
LINV	Level	-2.7710	-5.4550 ***	-3.1226 *	I(0) or I (1)
	First difference	-5.5245 ***	-11.3058 ***	-1.3856	
LHUMCAP	Level	-0.1341	-5.9072 ***	-1.8507	I(0) or I (1)
	First difference	-5.8152 ***	-22.1032 ***	-5.8218 ***	
LTOURSPE	Level	-2.7635	-2.7290	-3.0103 *	I(0) or I (1)
	First difference	-6.4219 ***	-12.6866 ***	-6.1722 ***	
LHDI	Level	0.2521	-1.9077	-3.0103 *	I(0) or I (1)
	First difference	-0.3112	-9.5448 ***	-6.1722 ***	

جدول 4: نتایج آزمون ریشه واحد (اجزاء چرخه).

		ADF	PP	ERS	Result
LRGDP	Level	-4.3153 ***	-1.9960	-2.0789 **	I(0) or I (1)
	First difference	-12.3499 ***	-2.0550	-0.7252	
LINV	Level	-6.0737 ***	-2.2954	-0.3988	I(0) or I (1)
	First difference	-5.6569 ***	-1.8937	-1.5986	
LHUMCAP	Level	-3.5967 **	-2.1312	-1.7791 *	I(0) or I (1)
	First difference	-0.7419	-1.9910	-3.3741 ***	
LTOURSPEC	Level	-0.4695	-1.8648	-0.5441	I(1)
	First difference	-3.9389 ***	-2.2622	-5.5083 ***	
LHDI	Level	-0.4695	-1.8648	-2.3799 **	I(0) or I (1)
	First difference	-3.9389 ***	-2.2622	-5.0558 ***	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول 5: نتایج رگرسیون تابع تولید Translog (روند و چرخه ها).

	وابسته LRGDP_T	=	وابسته LRGDP_C	=
LINV	0.4741		0.8694	
LHUMCAP	1.0992 *		-0.7595*	
LTOURSPEC	-0.2664		1.2215**	
LINV ²	0.0320		-1.1605**	
LHUMCAP ²	-0.9288		-0.9311**	
LTOURSPEC ²	-0.3537		0.5859	
LINV x LHUMCAP	-0.9258		0.5942	
LINV x LTOURSPEC	-0.6312		-0.3460	
LHUMCAP x LTOURSPEC	-0.8898		-1.2619**	
F-test	21.4600 (p =		5.6900 (p =	
	0.0000)		0.0021)	
R ²	0.8547		0.5123	
(معادله کمتر از حد شناسایی شده است: H0) آزمون شناسایی ناکافی				
Kleibergen-Paap rk LM statistic (x ²)	9.2260 (p =		6.8690 (p =	
	0.0557)		0.0762)	
(متغیرها بیرون زده هستند: H0) آزمایش بیش از حد شناسایی همه ابزارها				
Hansen J statistic	3.6420 (p =		2.0190 (p =	
	0.3028)		0.3644)	
	10.0230 (p =		10.0960 (p =	
	0.3486)		0.3428)	
(ابزارها با جمله خطا همبستگی ندارند: H0) آزمون درون زایی				

Note: ***, ** and * indicate, significance at, respectively, 1%, 5% and 10%.

جدول 6: نتایج رگرسیون توسعه انسانی (روند و چرخه ها).

	سناریو ۱: بدون رشد اقتصادی		سناریو ۲: با رشد اقتصادی	
	وابسته	وابسته	وابسته	وابسته
	= SD_LHDI_T	= SD_LHDI_C	= SD_LHDI_T	= SD_LHDI_C
LRGDP			0.7273 ***	0.7127 *
LHUMCAP	0.7226 ***	-0.2688	0.1548	-0.6131 **
LTOURSPEK	-0.5112 *	-0.0812	-0.0614	-1.3909 *
LHUMCAP ²	-0.0327	-0.3767 **	0.1028 ***	-0.3051
LTOURSPEK ²	0.3178 *	0.1594	-0.0276	0.7090
LHUMCAP x LTOURSPEK	0.1250	-0.5753	0.0545	0.5679
F-test	137.9300 (p = 0.0000)	10.9000 (p = 0.0006)	1723.9200 (p = 0.0000)	3.8600 (p = 0.0294)
R ²	0.9610	0.6558	0.9980	0.1770
(معادله کمتر از حد شناسایی شده است: H0) آزمون شناسایی ناکافی				
Kleibergen-Paap rk LM statistic (X ²)	5.3400 (p = 0.0693)	8.2510 (p = 0.0162)	9.7370 (p = 0.0830)	5.4090 (p = 0.0669)
(متغیرها برون زا هستند: H0) آزمون بیش شناسایی همه ابزارها				
Hansen J statistic	1.5160 (p = 0.2182)	1.8190 (p = 0.1775)	3.9250 (p = 0.4163)	0.6220 (p = 0.4304)
آزمون درون زایی (H ⁰): ابزارها با جمله خطا همبستگی ندارند):	4.1710 (p = 0.5251)	5.6030 (p = 0.3468)	4.9330 (p = 0.5524)	7.5990 (p = 0.2690)

Note: ***, ** and * indicate, significance at, respectively, 1%, 5% and 10%.

جدول 7: نتایج رگرسیون مدل تخصصی سازی گردشگری (روند و چرخه ها).

	= وابسته SD_LTOURSPE5_T	= وابسته SD_LTOURSPE5_C
LHUMCAP	1.0612	-0.9472 ***
LHDI	-2.1621 **	-0.3393
LHUMCAP ²	-0.0178	-0.1828
LHDI ²	0.9269	0.4801
LHUMCAP x LHDI	-0.6549	-0.9073***
F-test	66.7900 (p = 0.0000)	16.4500 (p = 0.0000)
R ²	0.9136	0.5334
(معادله کمتر از حد شناسایی شده است: H0) آزمون شناسایی ناکافی		
Kleibergen-Paap rk LM statistic (X ²)	9.0920 (p = 0.0588)	14.1230 (p = 0.0786)
(متغیرها برون زا هستند: H0) آزمون بیش شناسایی همه ابزارها		
Hansen J statistic	1.1520 (p = 0.7645)	5.3220 (p = 0.6208)
آزمون درون زایی (H ₀): ابزارها با جمله خطا همبستگی ندارند):	3.0930 (p = 0.6856)	5.8410 (p = 0.3220)

Note: ***, ** and * indicate, significance at, respectively, 1%, 5% and 10%.

جدول 8: تایید فرضیات
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرضیات	نتایج	
	بلند مدت	کوتاه مدت
H1: تخصصی سازی گردشگری تأثیر غیرخطی بر توسعه اقتصادی لهستان دارد.	رد شده	رد شده
H2: تخصصی سازی گردشگری تأثیر غیرخطی بر توسعه انسانی در لهستان دارد.	تایید شده	رد شده
H3: رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر توسعه انسانی در لهستان دارد.	تایید شده	تایید شده
H4: توسعه انسانی تأثیر غیرخطی بر تخصصی سازی گردشگری دارد.	رد شده	رد شده

[1] اثر مثبت مداوم تخصص سازی گردشگری بر تولید اقتصادی وجود دارد.

[2] اثر منفی مداوم توسعه انسانی بر تخصص سازی گردشگری وجود دارد.

برای آمار بسندگی مدل، نتایج، هیچ گونه شواهدی را از شناسایی کمتر از حد لازم، شناسایی بیش از حد یا درون زایی ممکن بیان نمی کنند. آمار کلیبرژن - پاپ $Rk LM$ ، از نظر آماری، در هر دو مدل، معنادار بودند، بدین معنی که فرضیه تهی شناسایی کمتر از واقع، رد می شود. آمار هانسن جی، هر دو از نظر آماری، ناپیچ بودند، بیانگر این مساله است که فرضیه تهی که متغیرهای مستقل، برون زاد بودند (یا ابزارهای بکار رفته، سبب یک معادله بیش از حد شناسایی شده، نمی شدند) ممکن است، نتوان آن را رد کرد. آمار تست درون زایی، هم چنین از نظر آماری، ناپیچ بود، بدین معنی که فرضیه تهی که ابزارها با عبارت خطای مربوطه، همبسته نبودند، ممکن است رد نشود.

از این گذشته، تاثیرات تعیین کننده های HD طبق مدل های ارائه شده در معادلات 3 الف و 3 ب که در جدول 6 نشان داده شده اند، مورد تحلیل قرار گرفتند. در سناریو 1، مربوط به تاثیرات دراز مدت (گرایش)، نتایج بیانگر این مساله است که سرمایه انسانی و TS، از نظر آماری در 1٪ و 10٪ معنادار بودند. در عین حال، در حالیکه سرمایه انسانی از اثر مثبت بر HD برخوردار بود، تاثیر TS بر HD، منفی بود. در عین حال، صورت مربع TS، مثبت و از نظر آماری، معنادار بود که به معنی یک رابطه یو شکل است. آخری بدین معنی است که تاثیر TS بر HD، اولاً، منفی است، اما فراتر از یک آستانه خاص، از اثر مثبتی بر HD برخوردار است. با در نظر گرفتن تاثیرات (گردشی) کوتاه مدت، نتایج بیان می کنند، فقط صورت مربع سرمایه انسانی، منفی و از نظر آماری، معنادار بود، بدین معنی که بین سرمایه انسانی و HD، رابطه مقعر وجود دارد. آخری بدین معنی است که فراتر از سطح خاصی از سرمایه انسانی، تاثیر بر HD، منفی می شود. با در نظر گرفتن سناریو 2 موجود در جدول 6، نتایج دراز مدت، بیانگر یک تاثیر مثبت رشد اقتصادی بر HD است. ارزش مربع سرمایه انسانی بیانگر یک رابطه محدب با HD است، بدین معنی که افزودن واحدهای سرمایه انسانی، حامل یک تاثیر مثبت بر HD است. در کوتاه مدت، توسعه اقتصادی، یک تاثیر مثبت و معنادار آماری را بر HD، آشکار نمود. در عین حال، تاثیر سرمایه انسانی و TS، از نظر آماری، معنادار و منفی یافت شد. این مساله دال بر تاثیرات مقابله به مثل کننده بین، از یک سو، توسعه اقتصادی و از سوی دیگر سرمایه انسانی و TS است.

نتایج بسندگی مدل، شبیه به نتایج جدول 5 بود. یعنی، نتایج بسندگی مدل، همگی، قابل قبول بود که بیانگر مدل عدم وجود مشخصات کمتر از حد لازم و بیش از حد و درون زایی است.

با در نظر گرفتن تاثیرات متغیرهای مستقل بر TS (جدول 7)، نتایج دراز مدت بیانگر تاثیر مستقیم HD بر TS به صورت منفی و از نظر آماری معنادار است. این مساله ممکن است، تاثیر بعد مربوط به سلامت را منعکس نماید، همانطور که کارمندان صنایع، ممکن است، لازم باشد، ساعات طولانی و یا شیفت های شب کار کنند، ممکن است، وضعیت سلامت و عملکرد خدمت شان را مختل نماید. در کوتاه مدت، تاثیر سرمایه انسانی بر TS، منفی و از نظر آماری، معنادار بود، زیرا تجربه و خدمت مناسب، ممکن است، طول بکشد. تاثیر سرمایه انسانی منفی کوتاه مدت هم ممکن است، تاثیر تعامل منفی و معنادار آماری را بر HD شرح دهد.

نتایج تست کوتاه مدت و دراز مدت، بار دیگر، کافی بود (یعنی بدون هیچ شناسایی کمتر از حد لازم، بدون شناسایی بیش از حد و بدون درون زایی). یافته های جدول 5 و 6، بیانگر این مساله هستند که هم توسعه اقتصادی حقیقی لهستان و هم HD سکنه، زمان بررسی ویژگی های دراز مدت و کوتاه مدت شان، پویا هستند. از یک سو، بازده اقتصادی دراز مدت، به طور انحصاری توسط پیشرفت‌ها در سرمایه انسانی شرح داده می شود. در کوتاه مدت متقارن، تغییرات تحت تاثیر پیشرفت‌ها در سرمایه انسانی، TS و تعاملشان قرار می گیرند. با فرض این مساله، کار کردن با تغییرات گردشی در بازده اقتصادی لهستان، با فرض تنوع در عوامل موثر این توسعه، بیشتر مورد ترغیب قرار می گیرند. به طور همزمان، چالشی برای تعیین نیروهای محرک رشد اقتصادی دراز مدت لهستان وجود دارد. استفاده از این رویکرد برای HD سکنه لهستان، چشم انداز دراز مدت، توضیح بیشتری را از کوتاه مدت ارائه می نماید و به نظر می رسد، عواملی غیر از سرمایه انسانی و TS، این حرکات گردشی را در HD، شرح دهند.

جدول 8، نتایج تست فرضیات را ارائه می دهد. تاثیر TS بر توسعه اقتصادی لهستان (فرضیه 1)، به طور کلی، برای چشم اندازهای کوتاه مدت و دراز مدت، رد شد. در عین حال، به نظر می رسد، در کوتاه مدت، یک تاثیر مثبت پایدار بر توسعه اقتصادی وجود داشته باشد. در دراز مدت، TS دارای یک تاثیر غیر خطی (به شکل یو معکوس) بر HD در لهستان (فرضیه 2) بود، اما در کوتاه مدت اینطور نبود. به طور ویژه، فراتر از آستانه توسعه توریسم، تاثیر HD، منفی می شود. این مطالعه، تاثیر مثبت توسعه اقتصادی بر HD (فرضیه 3)، در کوتاه مدت و دراز مدت را ارزیابی نمود. بر عکس، این مطالعه، فرضیه تاثیر HD غیر خطی بر TS را، هم در کوتاه مدت و هم در دراز مدت رد می کند (فرضیه 4). در عین حال، نتایج، بیانگر این امر بودند، HD دارای یک تاثیر منفی دائمی بر TS در دراز مدت بود.

5. جمع بندی

این مطالعه زیرساخت مفهومی ارتباط بین TS و HD را بررسی می کند. این ارتباط، خود را در دسته بندی چارچوب کار آدام اسمیت نشان می دهد، که زیربنای رابطه بین اجزای عرضه و تقاضا را در تصدیق انتخاب در مورد تخصیص و تجهیز منابع فراهم می کند. انتخاب ها برای ایجاد و گسترش بازارها برای بزرگتر کردن حق انتخاب مردم در راستای ارزش ها و ویژگی های زندگی آنها است. مورد دوم اصول نظریه HD آمارتیا سن است. این مطالعه ترکیبی از این دو چارچوب نظری برای تعریف TS است. ما TS را به عنوان فرآیند تخصیص منابع و مشارکت در فرصت های ایجاد بازار برای تسهیل رشد انتخاب فردی (HD) تعریف می کنیم. TS و HD خود را در اقتصاد در حال گذار آشکار می کنند - اقتصادی که یک تغییر ساختاری از یک برنامه ریزی متمرکز به یک اقتصاد بازاری دارد. لهستان به عنوان یک اقتصاد در حال گذار، مطالعه موردی این تحقیق بود.

این مطالعه چهار نتیجه گیری ضروری را در بر می گیرد. نخست، TS و رشد اقتصادی در مورد لهستان بدیهی نیست. در واقع، TS تنها اثر مستقیم و کوتاه مدت مثبت و معنی داری دارد که نشان می دهد عملکرد آن از الگوی روند گردشگری بالاتر است. با این حال، الگوهای بلندمدت یا روند نشان می دهند که TS فاقد اثر مستقیم معنی داری بر رشد اقتصادی بوده که با TLGH متناقض است. علامت منفی مشخصه این روند در رابطه بین TS و رشد اقتصادی نشان می دهد که اقتصاد برای مطابقت فرد مناسب با شغل مناسب در تقلا بوده و هنوز در فرآیند پرداختن به توسعه گردشگری است. دلیل این عدم انطباق آن است که مهارت های مدیریتی و کیفیت سازمانی (عوامل نامشهود) ورودی های حیاتی برای حمایت از رشد اقتصادی می باشند.

در ثانی، تاثیر سرمایه انسانی و سرمایه گذاری ها و تعامل آن ها با TS بر رشد اقتصادی منفی بوده که نشان می دهد لهستان با بازده کم سرمایه گذاری و بهره وری پایین در این بخش مواجه است. این یافته با مطالعه میهالیچ (2017) که اظهار نمود مدل های کسب و کار گردشگری، جهت گیری بازار، و کیفیت محصول در لهستان کمیاب هستند همخوانی دارد.

ثالثاً، سرمایه انسانی الگوی U شکلی را در رابطه خود با رشد اقتصادی آشکار می نماید که موید اثر اولیه منفی است که بعد از رسیدن به آستانه مشخصی به اثر مثبت تبدیل می شود. این الگوی U شکل نیز در رابطه بین سرمایه انسانی و HD وجود دارد. مهارت های مورد حمایت بهداشت و آموزش به ظرفیت ها امکان فعالیت را می دهد که انتخاب های موجود برای افراد را گسترش می دهد. مهارت های متعددی بر عملکرد در زندگی در میان مجموعه ای از ابعاد که به HD کمک می کنند تاثیر می گذارد. این نتیجه از نظریه HD سن پیروی می کند.

رابعاً، افزون بر این، تنها پیوند ضعیف و البته غیرمستقیم و منفی بین TS و HD وجود دارد. رشد اقتصادی مجرایی است که از توسعه HD پشتیبانی نموده و نشان دهنده اثرات مثبت و معنی دار کوتاه مدت و بلند مدت است. یک دلیل بالقوه برای تاثیر منفی کوتاه مدت در رابطه بین TS و HD، تفاوت های اساسی در حقوق و درآمد در مقایسه با سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) می باشد (شاید یک توضیح محتمل برای انگیزه مهاجرت لهستانی ها)، اوکولسکی و و سالت (2014) اظهار نمودند که کارگران تحصیلکرده در جریان جدید مهاجرت لهستانی ها به بریتانیا پس از الحاق به اتحادیه اروپا غالب هستند زیرا از مهارت و توانایی کار در مدیریت مهمان نوازی برخوردار می باشند. دمبک و ولوچ (2014) به تصویر لهستان به عنوان منبعی از نیروی کار ارزان و تحصیلکرده اشاره می کنند. اثر مثبت معنی دار و قابل توجه رشد اقتصادی بر HD نشان می دهد که رشد، تامین منابع مالی لازم برای حمایت عمومی از قابلیت ها را تسهیل می کند.

این نتیجه گیری ها بیانگر سه پیامد مدیریتی حیاتی هستند. نخست، به نظر می رسد TS از پتانسیل مثبتی بر تاثیر کوتاه مدت مستقیم و مثبت بر اقتصاد برخوردار است، اما تاثیر آن در بلندمدت پراکنده می شود. لهستان محصولی دارد که فاقد جذابیت متمایز برای بازارهای بین المللی حتی در مجموعه اتحادیه اروپاست. ورود گردشگران بین المللی در دهه گذشته راکد بوده و سالانه حدود ۱۹ میلیون نفر در انتظار به سر می برند، در حالی که دریافتی بین المللی افزایش متوسطی داشته است. میهالیچ (2017) و دمبک و ولوچ (2014) به این واقعیت نگران کننده اشاره می کنند. دلایل بالقوه عبارتند از: وجود محصولات و فرآیندهای تولید از رده خارج شده، کیفیت سازمانی، بهره وری پایین و پراکندگی دستمزد بالا. میهالیچ (2017) اظهار داشت که لهستان به بازطراحی محصول خود نیاز دارد.

برژینسکی (2017) تاکید نمود که لهستان یکی از بالاترین نرخ های کارکنان با درآمد پایین (23.6 درصد) را در گروه اتحادیه اروپا (17.2 درصد) دارد که در آنجا لهستانی ها (1929 ساعت) به طور متوسط بیش از هم تاییان اروپایی خود (1600 ساعت) کار می کنند.

در ثانی، TS از پتانسیل ارتقاء HD در لهستان برخوردار است البته به نظر می رسد تاثیر مستقیم آن از طریق رشد اقتصادی باشد. تاثیر مستقیم TS بر HD ظاهراً بیشتر به مشاغل و درآمدهای خانوار مربوط است تا دو بُعد دیگر HD یعنی بهداشت

و آموزش. بر طبق گزارش WTTC (۲۰۱۹)، صنعت مهمان نوازی نزدیک به 737000 شغل و یا ۴.۵ درصد کل اشتغال را در این کشور در سال ۲۰۱۸ ایجاد کرده است. مسلماً، این مشاغل درآمد خانوار را در پی دارند. درآمدهای خانوار ارتباط چندانی با بهداشت و آموزش ندارد زیرا تخصیص بیشتر با منابع عمومی ارتباط دارد. پیامد این مساله آن است که نقش دولت در تخصیص و توزیع منابع به این دو بخش حیاتی است. همچنین، TS حقوق، درآمد و مالیات را برای اقتصاد تامین می کند. دولت بخشی از درآمد حاصل از گردشگری را به سرمایه گذاری در زمینه بهداشت، آموزش، زیرساخت ها و غیره تخصیص می دهد. یافته های این مطالعه نشان می دهد که TS از طریق رشد اقتصادی اثر غیرمستقیمی بر HD دارد. با این حال، به نظر می رسد که تخصیص منابع عمومی به آموزش، برای مثال، کمتر از استانداردهای OECD است. بر طبق گزارش OECD (۲۰۱۵)، هزینه تحصیل به عنوان درصدی از GDP، شرایط تدریس ناکارآمد و حمایت ناکافی از رشد حرفه ای و مسائل نگران کننده مربوط به تساوی حقوق و کیفیت، به ویژه در مناطق روستایی کمتر از میانگین OECD است. همچنین دسترسی به بهداشت و درمان در این کشور غیرمنصفانه و تا حدی محدود بوده و وضعیت سلامت مردم پایین تر از میانگین اروپاست (ناگی، ۲۰۱۵).

ثالثاً، گذشته از این، رشد اقتصادی علامت تعامل بین TS و سرمایه انسانی را از مثبت به منفی - از جایگزینی به تکمیل یکدیگر تغییر می دهد. این یافته حاکی از آن است که عدم انطباق مهارت های اولیه در بازار کار و سختی بسیج منابع به کندی خود را با پیشرفت اقتصادی تصحیح می کند. مهاجرت گسترده کارگران لهستانی بعد از سال ۲۰۰۴ منجر به شکاف بازار کار در یافتن شخص مناسب برای شغل مناسب گردید. بارسلاند و بوسی (2014) برآورد نمودند که بیش از ۲ میلیون لهستانی یا ۶ درصد جمعیت، کشور را در طول سال های پس از الحاق ترک کرده اند. این مهاجران نسبتاً جوان و تحصیلکرده بوده و نزدیک به ۲۰ درصد تحصیلات عالی دارند. این انگیزه مهاجرت در سالیان اخیر به حدی در حال پیروی است که نشانه ای از مهاجرت لهستان به میهن محسوب می گردد. الزامات (یا انتظارات) تحصیلات عالی مدیریت مهمان نوازی نیز در تقویت قابلیت استخدام، انعطاف پذیری و مهارت های لازم فارغ التحصیلان که مورد نیاز این صنعت است، ناکافی به نظر می رسد (کاپنیفسکا و پارا، 2017).

مطالعه دارای دو پیامد مهم است: یک پیامد نظری و یک سیاست توسعه ای. پیامد نظری به دو گزاره آزمون پذیری اشاره دارد که توسعه قابلیت (HD) مستقیماً از طریق TS اتفاق افتاده و یا توسعه قابلیت تنها به صورت غیرمستقیم از طریق TS به وسیله رشد اقتصادی اتفاق می افتد. این مساله که محرک توسعه قابلیت مستقیماً TS باشد (یا درآمدهای خصوصی) یا توسعه قابلیت غیرمستقیم از طریق تخصیص گرایی به واسطه مقررات خدمات اجتماعی عمومی رخ دهد، یک سوال سیاسی مهم محسوب می شود.

دو گزینه برای توسعه قابلیت ها در مورد لهستان وجود دارد. گزینه اول مستلزم تاکید سیاسی قوی بر توسعه گردشگری است. در مورد لهستان، این امر بدان معناست که مدیران مقصد لهستان باید گردشگری بین المللی را در کشور افزایش داده و لذا صرف هزینه گردشگر، تاثیر بالقوه مثبتی بر اقتصاد و HD دارد. تصمیم گیری کسب و کار هوشمند و رویکرد معماری بازی که همه ذینفعان را برای جلوگیری از برخی حوادث ناگوار ذکر شده توسط دمبک و ولوج (2014) در بر بگیرد لازم می باشد. ضمناً، کاهش عدم انطباق مهارت ها در بازار کار حیاتی است. بهبود برنامه های آموزش عالی مدیریت مهمان نوازی، شرایط کاری، و بهره وری در بازار کار، و جذب زنجیره های هتل های بین المللی بیشتر به کشور جهت ارتقاء استانداردهای کیفیت خدمات باعث کاهش عدم انطباق مهارت های موجود می گردد.

گزینه دوم شامل شناسایی تعادل مناسب بین TS به عنوان مجرای برای درآمدهای خصوصی (تدارک کننده مشاغل و درآمد خانوار) و TS به عنوان محرکی برای تدارک عمومی خدمات اجتماعی، به ویژه در بُعد بهداشت و آموزش می باشد. گزینه دوم نشان می دهد که دولت باید سرمایه گذاری اجتماعی را افزایش دهد. این گزینه دوم در مرکز پیامد سیاسی بین HD به شیوه سن و رویکرد درآمد محور مرسوم برای توسعه قرار دارد. مسلماً، پیامدهای مدیریتی در مورد لهستان در کشورهای در حال گذار دیگر مانند مجارستان، بلغارستان، و رومانی نیز صدق می کند. به عنوان مثال، بلغارستان و رومانی HD پایین و مقادیر پایین مشارکت مستقیم گردشگری در GDP را تجربه نموده اند. سطوح بالاتر توسعه گردشگری تاثیر مثبتی بر اقتصاد و HD دارد.

هدف تحقیقات آتی انجام رگرسیون پنبلی متمرکز بر گزاره فوق الذکر است. از آنجایی که این گزاره در میان اقتصادهای در حال گذار تغییر می کند، مطالعه حاضر رگرسیون های چندکی را نیز شامل می شود که ناهمگنی محتمل پارامترها را لحاظ می کند. همچنین، به این دلیل که اقتصادهای در حال گذار دسته متمایزی از کشورها محسوب می شوند، تحقیقات آتی مشتمل بر اعمال گزاره های آزمون پذیر برای سایر کشورها مانند جزایر کوچک، کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می باشد. توسعه مجموعه کشورها از طریق رویکرد تکرار سازنده (کولکوئیت و زاپاتا - فلان، 2007) جهت اعتبارسنجی یافته های این مطالعه، برای تایید روایی بیرونی آن ها حیاتی است. مطالعات آتی باید عناصر فردی شاخص توسعه انسانی را برای تاکید بر تاثیر این شاخص بر تخصص گرایی گردشگری در نظر بگیرند.

6. منابع و مراجع

- Aghion, P., & Bolton, P. (1997). A theory of trickle-down growth and development. *The Review of Economic Studies*, 64(2), 151–172.
- Brau, R., Lanza, A., & Pigliaru, F. (2007). How fast are small tourism countries growing? Evidence from the data for 1980–2003. *Tourism Economics*, 13(4), 603–613.
- Hall, D. (2004). *Tourism and transition: Governance, transformation and development*. Wallingford, UK: CABI Publishing.
- Kubík, R. (2010). Looking for the right human capital proxy. *Review of Economic Perspectives*, 10(2), 61–70.
- Narayan, P. K., Narayan, S., Prasad, A., & Prasad, B. C. (2010). Tourism and economic growth: A panel data analysis for pacific island countries. *Tourism Economics*, 16(1), 169–183.
- Arezki, R., Piotrowski, J., & Cherif, R. (2009). Tourism specialization TS and economic development: Evidence from the UNESCO World heritage list. International Monetary Fund. IMF Working Paper, WP/09/176.
- Smith, A. (2005). *An inquiry into the nature and causes of the wealth of nations*. Hazleton, PA: Pennsylvania State University Electronic Series.
- Stabler, M., Papatheodorou, J., & Sinclair, T. (2010). *The economics of tourism* (2nd ed.). Abingdon, VA: Routledge.
- Woo, E., Kim, H., & Uysal, M. (2015). Life satisfaction and support for tourism development. *Annals of Tourism Research*, 50, 84–97.